

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

Arms Control
Association

چالش گفت‌وگوهای ایالات متحده و ایران



کلسی داونپورت
کارشناس ارشد
عدم اشاعه

ایالات متحده و ایران گفت‌وگو برای توافقی هسته‌ای را شروع کرده‌اند اما مقامات دولت ترامپ پیام‌های درهمی درباره اهداف آمریکا در این توافق فرستاده‌اند. مشخصاً، معلوم نیست که ایالات متحده حاضر باشد توافقی را بپذیرد که به ایران اجازه ادامه غنی‌سازی اورانیوم می‌دهد؛ مسئله‌ای که ایران آن را غیرقابل مذاکره می‌خواند. هم ترامپ و هم مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران از رسیدن به یک توافق هسته‌ای حمایت کرده‌اند اما معلوم نیست دو طرف بتوانند شکاف مواضع را پر کنند به توافق برسند. نتانیا‌هو هم بعید است از توافق حمایت کند. او در پیامی ویدئویی گفته‌است اسرائیل از دیپلماسی با ایران حمایت می‌کند اما توافق مؤثر باید شامل برچیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران تحت نظارت ایالات متحده باشد. بعد از اولین دور مذاکره، ویتکاف در ۱۴ آوریل به فاکس‌نیوز گفت ایران می‌تواند اورانیوم ۲۳۵ را تا سطح ۲/۶۷ درصد غنی کند. این سطحی است که برای سوخت راکتور هسته‌ای مناسب‌است. همچنین گفت توافق بر نظارت و ممنوعیت فعالیت‌های تسلیحاتی هسته‌ای متمرکز خواهد بود: اما روز بعد ویتکاف در ایکس [توییتر] نوشت ایران باید «تمامی برنامه غنی‌سازی و تسلیحات هسته‌ای‌اش را برچیند». دیگر مقامات ارشد دولت ترامپ، شامل وزیر خارجه مارکو روبیو و مشاور وقت امنیت ملی، مایک والترز هم گفته‌اند ایران باید به عنوان بخشی از توافق، دست از غنی‌سازی اورانیوم بکشد. عراقچی ۱۶ آوریل به رسانه‌های ایران گفت مواضع متغیر آمریکا کمکی نمی‌کند و ایران منتظر خواهد بود که ایالات متحده «موضع واقعی‌اش» را در گفت‌وگوها مشخص کند. او گفت ایران «مایل است درباره دغدغه‌های بالقوه اعتمادسازی کند اما مسئله غنی‌سازی غیرقابل مذاکره است.» او در متن سخنرانی‌ای که قرار بود ۲۱ آوریل انجام شود، موضع ایران را تشریح کرد و گفت تهران «آماده تعامل» با واشنگتن است، اما اساس گفت‌وگوها باید «برسمیت‌بخاشتن حقوق‌مان» تحت معاهده منع گسترش، آن‌پی‌تی باشد، «شامل توانایی تولید سوخت برای نیروگاه‌های هسته‌ای.» ماده‌ای در آن‌پی‌تی تضمین می‌کند که دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای، تحت اقدامات حفاظتی مناسب و برای اهداف صلح‌آمیز به فناوری هسته‌ای دسترسی داشته باشند، اما ایالات متحده قبول ندارد که این ماده شامل حق غنی‌سازی هم می‌شود؛ با این حال، وقتی دولت اوپاما پذیرفت ایران بتواند برنامه غنی‌سازی محدودی داشته باشد، این مسئله در پیشبرد مذاکرات به سمت توافق موقت در سال ۲۰۱۳ و بعدتر توافق ۲۰۱۵ نقشی حیاتی داشت. تحت برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام، ایران قبول کرد غنی‌سازی اورانیوم‌اش را به سطحی مناسب راکتورها کاهش دهد، یعنی ۳/۶۷ درصد اورانیوم ۲۳۵، همان سطحی که ویتکاف در ابتدا اشاره کرد ایالات متحده می‌تواند در توافقی جدید از آن حمایت کند. در حال حاضر، ایران غنی‌سازی اورانیوم ۲۳۵ تا سطح ۶۰ درصد انجام می‌دهد. اورانیوم غنی شده ۶۰ درصد، نزدیک به سطح لازم برای تسلیحات است و هیچ کاربرد غیرنظامی مشروعی در برنامه ایران ندارد. علی‌رغم پس گرفتن مواضع اولیه از سوی ویتکاف درباره غنی‌سازی، عراقچی گفت دو طرف در دور دوم مذاکرات، ۱۹ آوریل در رم، پیش رفته‌اند و «فهم بهتری از اهداف» دارند. او گفت ایران «به دنبال توافق در اسرع وقت» است اما اشاره کرد که این آسان نخواهد بود. ترامپ ۱۲ آوریل در هواپیمای ریاست‌جمهوری به خبرنگاران گفت، گفت‌وگوها پیش می‌روند اما «تا وقتی به نتیجه نرسید هیچ چیز مهم نیست.» رافائل گروسسی، دبیرکل آژانس انرژی اتمی ۱۵ و ۱۶ آوریل در تهران بود و در جلسه‌ای بر کتاهای چارچوب زمانی در دسترس برای گفت‌وگوها تأکید کرد. گروسسی ۱۷ آوریل به خبرنگاران گفت تأیید آژانس برای اعتبار هر توافقی لازم است. او گفت آژانس با تیم مذاکره‌کننده ایالات متحده در تماس است تا ببیند چگونه می‌تواند «کمک کند نتیجه‌ای مثبت در مذاکرات حاصل شود.» آژانس در گزارش فصلی خود درباره برنامه هسته‌ای ایران از چالش‌های برپایی دوباره پایه‌ای معتبر در موضوع نظارت در برخی حوزه‌ها مثل سانتریفیوژها ابراز نگرانی کرد، از آنجا که ایران دسترسی و نظارت آژانس را از فوریه ۲۰۲۱ کاهش داده است. گروسسی در میانه دور دوم مذاکرات در ایکس [توییتر] نوشت همکاری با آژانس «برای ارائه تضمین‌های معتبر درباره ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران ضروری» است.

دیپلماسی
DIPLOMACY



نظر
خواهی



عکاس: محمد پرنواز آوش

بازگشت به خانه اول؟

بحث غنی‌سازی همچنان محل اختلاف جدی تهران و واشنگتن است

امتیازات در مذاکرات است و در نهایت هر کدام از دو طرف، یک قدم به عقب بر خواهند داشت تا ماجرا به حاصل برسد. بخش مهمی از این امیدواری به ابزارهای دو طرف در خارج از موضوع غنی‌سازی مربوط می‌شود، یعنی به اهرم‌های فشاری که دارند و سبدهای امتیازی که می‌توانند ارائه کنند. هر چند باید پذیرفت در مقطع کنونی، دست آمریکا در این زمینه کمی از ایران پرتر است. مجموعه وقایع سال‌های اخیر، تیزی برخی از ابزارهای فشار ایران را در منطقه و جهان کند کرده است.

مسئله جایگاه پرونده ایران در سیاست خارجی ایالات متحده نیز محل استدلال خوش‌بین‌ها و بدبین‌ها است. آمریکا در حال حاضر چند پرونده مهم سیاست خارجی روی میزش دارد: جنگ اسرائیل در غزه، جنگ روسیه در اوکراین، توافقات امنیتی با عربستان، مهاب چین، اختلاف با اتحادیه اروپا، کانادا و مکزیک و درگیری تعرفه‌ای با همه کشورهای جهان. سوال این است که پرونده هسته‌ای ایران در این میان چقدر برای آمریکا اهمیت دارد که مجبور شود برای حل و فصل آن امتیاز بزرگی بدهد؟ برخی که به نتایج مثبت مذاکرات امیدوارند معتقدند همین موضوع باعث می‌شود ترامپ در ترجیح دهد هر چه زودتر و در نتیجه با سخنگیری و پافشاری کمتر این پرونده را ببندد و با چالش کمتر به پرونده‌های دیگر رسیدگی کند. در طرف مقابل، نگاه بدبینانه به موفقیت گفت‌وگوها تصویر بر طور دیگری می‌بیند: هر کدام از این پرونده‌ها نیاز به خرج سرمایه سیاسی و دیپلماتیک دارند، در نتیجه وقتی کار بالا بگیرد، اولین گزینه ترامپ برای صرفه‌جویی و رسیدن به توافقی با مخالفانش در داخل، رها کردن چشم‌انداز توافق با ایران خواهد بود، به‌خصوص اگر نتواند تفاوت کافی بین توافق خودش با توافق دوران باراک اوباما، رئیس‌جمهور دموکرات سابق ایجاد کند. در این میان البته باید توجه داشت که تقریباً در تمام پرونده‌هایی که اشاره شد، ایران به عنوان بازیگر

تصورات در ابتدای کار، اگر راهی به توافق بین ایران و آمریکا در میان باشد، نه کوتاه است و نه هموار.

ویتکاف اخیراً با بریتبارت، رسانه آبراست‌گرای آمریکایی گفت‌وگویی داشت که در آن گفت: «دیگر هرگز نمی‌شود برنامه غنی‌سازی در ایران وجود داشته باشد. این خط قرمز ماست. غنی‌سازی صفر. این یعنی برچیدن تأسیسات، یعنی هیچ تسلیحاتی‌سازی در کار نباشد و یعنی نطنز، فردو و اصفهان -سه تأسیسات غنی‌سازی‌شان- باید برچیده شوند.»

عراقچی هم دیروز در آخرین واکنش به حرف‌های آمریکایی‌ها و در حالی که برای شرکت در دور چهارم گفت‌وگوها عازم عمان بود، بار دیگر تصریح کرد غنی‌سازی «جزء حقوق مردم ایران است که قابل مذاکره و معامله نیست. غنی‌سازی یکی از دستاوردها و افتخارات ملت ایران است و برای این غنی‌سازی هزینه سنگینی پرداخت شده و خون دانشمندان هسته‌ای ما پای این دستاورد ریخته شده و قطعاً قابل معامله نیست، این موضع روشن ما بوده و همواره آن را اعلام کرده‌ایم.» البته در تاریخ دیپلماسی، بی‌سابقه نبوده که دولتی، به‌خصوص در شرایط مذاکره و گفت‌وگو، خط قرمزی اعلام کند و در نهایت از آن عدول کند یا نتیجه گفت‌وگو به شکلی باشد که هر دو طرف بتوانند به مردم کشورشان بگویند از خط قرمزها کوتاه نیامده‌اند؛ اما موضع‌گیری‌های اخیر دو طرف، تنگه بین تنش و توافق را باریک و باریک‌تر نشان می‌دهد و قطعیت و مطلق‌بودنی که در حرف‌ها وجود دارد، نشانه‌های مثبت را کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌کنند؛ تاجایی که برخی ناظران، بدبینانه معتقدند بعد از این حرف‌ها، دیگر سخت است که نتیجه‌ای مثبت برای مذاکره متصور بود.

در عین حال خوش‌بین‌هایی هم هستند که همچنان معتقدند این موضع‌گیری‌ها برای تشدید فشار و بیشینه‌سازی

مهدی ذاکریان:
اینکه آمریکایی‌ها
بیابند به خاطر مسائل
دیگر اجازه غنی‌سازی
را بدهند، دست کم
می‌شود گفت که برای
بالای ۳/۶۷ درصد
محال است، آن هم
در خاک ایران. مگر
اینکه ۳/۶۷ درصد
باشد که آن هم
ضرورت راه‌اندازی و
تولید برق است

شواهد و مواضع طرفین نشان می‌دهد ایران و آمریکا در ادامه چند دهه اختلاف، گفت‌وگو، دعوا و مذاکره، همچنان بر سر موضوع غنی‌سازی در خاک ایران اختلاف‌نظر دارند و صحبت‌های یکی در روز اخیر مقامات آمریکایی و ایرانی نشان می‌دهد اگر این اختلاف پابرجا ماند و جدی شود، پتانسیل این را دارد که روند گفت‌وگوها را به بن‌بست بکشاند. پیش از این، استیو ویتکاف، نماینده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا و رئیس تیم مذاکره‌کننده آمریکا با ایران، اغلب از پیشرفت روند مذاکرات می‌گفت و بر سازنده‌بودن گفت‌وگوها تأکید می‌کرد. هر چند هر از گاهی به مواضع مخالفان مذاکره با ایران هم نزدیک می‌شد. سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه ایران نیز پیشتر موضعی مثبت و مشابه داشت، البته او نیز روی موضع ایران برای غنی‌سازی تأکید می‌کرد. فضای ظاهراً مثبت گفت‌وگو باعث شده بود بسیاری تصور کنند راه حلی برای تقرب مواضع پیدا شده است. در میان مواضع آمریکایی‌ها دایده می‌شد که تأکید بر ممانعت از تسلیحاتی‌شدن برنامه هسته‌ای ایران است و نه منع غنی‌سازی. ایران هم اعلام آمادگی کرده بود که راه‌هایی برای رفع گمانه‌های تسلیحاتی‌شدن برنامه هسته‌ای‌اش ارائه کند؛ اما در دوسه‌روز اخیر، مواضع ویتکاف و عراقچی به‌طور خاص، حاکی از این است که کار به این سادگی‌ها هم نیست. ویتکاف تندترین و قاطعانه‌ترین موضعش علیه غنی‌سازی در ایران را اتخاذ کرده و عراقچی هم در مقابل تأکید کرده که ایران بر سر این موضوع کوتاه نخواهد آمد تا به نظر برسد، بر خلاف برخی



روح‌اله نخعی

خبرنگار گروه دیپلماسی

آمریکایی‌ها در بحث غنی‌سازی صفر ایران چقدر جدی هستند؟ و اینکه در این باره گاهی مواضع متناقض گرفته‌اند، چه معنایی دارد؟

میرفندرسکی یا حتی اساتید و کارشناسان پس از انقلاب مثل آقای دکتر [هرمیداس] باوند اگر بودند، می‌دانستند که چگونه برای ایران در این شرایط نظام بین‌الملل امتیازهای جدید به وجود بیاورند. چون شرایط به گونه‌ای است که ایران می‌تواند، وضعیتی به وجود بیاورد که بتواند با برگ‌های برنده خودش در نظام بین‌الملل، امتیازهای بزرگ کسب کند. منتهی می‌دانید که ایران برگ‌هایی را که در خاورمیانه داشت از دست داد. از طرف دیگر همین حالا فرصت‌هایی هست، مانند مسائل صلح در خاورمیانه، یمن، اوکراین، افغانستان، اختلافات ارمنستان و آذربایجان، رقابت ترکیه و عربستان و مصر، از آن بالاتر، نقرار و کدورتی که میان اروپا و ترامپ وجود دارد. مکرون اخیراً پیشنهاد شناسایی دولت فلسطین را مطرح کرد اما هیچ‌کس در جهان اسلام از جمله ایران توجه نکرد، وقتی مکرون دارد صحبت از شناسایی دولت فلسطین می‌کند،

حیدرعلی مسعودی:
هر چقدر که در
مذاکرات جلوتر
آمده‌ایم، انگار موضع
اعلامی آقای ترامپ و
آقای [استیو] ویتکاف،
به دیدگاه اول، یعنی
دیدگاه غنی‌سازی صفر
نزدیک‌تر شده است

۲۲۳۱، شورای امنیت تصریح می‌کند که این امتیازی است که به ایران داده می‌شود و موجب حق برای سایر کشورها نمی‌شود، یعنی به صورت اختصاصی و ویژه چنین امتیازی فقط در تاریخ روابط بین‌الملل به ایران داده شد. طبیعی است که داخل ایران، کسانی که آن گونه به توافق برجام می‌تاختند؛ چون برجام امتیازی ویژه به ایرانیان در تاریخ روابط بین‌الملل می‌داد. الا این استثناء، آمریکایی‌ها همه جا و درباره همه کشورها، درباره مسئله غنی‌سازی نظر مخالف داشتند. بنابراین آمریکایی‌ها در موضوع غنی‌سازی خیلی جدی‌اند، ضمن اینکه الان ایران امتیازات بالایی در مذاکرات در دست ندارد؛ البته ایران می‌تواند امتیازات جدیدی برای خودش بسازد. اگر این دیپلمات‌ها یا تصمیم‌گیران ارشد ما به اندازه آقای دکتر طریف مهارت و دانش داشتند، یا کسانی که در تاریخ ایران داشتیم، مثل [عباسعلی] خلعتبری یا [احمد]



مهدی ذاکریان: آمریکا از اول جدی بود! آمریکایی‌ها نه دچار تناقض بوده‌اند و نه هستند. زمانی شاه ایران که تصمیم گرفت در صنعت هسته‌ای فعالیت کند و در برق و پزشکی و کشاورزی استفاده کند و حتی یک بار شاه درباره بمب اتم هم صحبت کرده بود، از همان زمان آمریکایی‌ها مخالف بودند. نه فقط درباره ایران، بلکه درباره همه کشورها، آمریکایی‌ها مخالف‌اند. معتقدند غنی‌سازی باید خارج از خاک سوئد، خارج از خاک ایران، خارج از خاک اوکراین، انجام شود، بعد چیزی که مورد مصرف است به میزانی که نیاز دارند، بهشان داده شود. تنها مورد استثنا که به وجود آمد و آمریکایی‌ها از این مخالفت عدول کردند، توافق برجام بود و این‌ما به شگفتی و حیرت سایر اعضای ۵+۱ شد. چون آمریکایی‌ها هیچ‌جا چنین نکردند. در مقدمه قطعنامه